

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

**آیین تکریم
تلاشگران حوزه خدمات
هلال احمر برگزار شد**

رئیس جمعیت هلال احمر در مراسم تکریم تلاشگران حوزه خدمات هلال احمر با تأکید بر ضرورت توجه به رفع مشکلات معیشتی کارکنان گفت: رفع مشکلات اعضا، موجب همدلی و رفاقت و استحکام درونی و همچنین ارتقای اعتبار بیرونی جمعیت هلال احمر می‌شود. دکتر علی اصغر بیوندی با بیان اینکه آمدم تا قدر دان زحمات و خدمات شما عزیزان باشم، تأکید کرد: جمعیت هلال احمر آرمان‌های متفاوتی را دنبال می‌کند که یکی از این آرمان‌ها، کاهش آلام و مشکلات مردم است و دو وجه دارد: وجه بیرونی آن، کمک به مردم آسیب‌دیده و حادثه‌دیده در حوادث است که وظیفه سازمانی ماست و لازم است در حوادث و بحران‌ها در کنار مردم باشیم تا آلام آنها، مصدومیت‌ها، آسیب‌ها و تلفات را کاهش دهیم و رفاقت و دوستی را تحقق ببخشیم، اما وجه درونی این آرمان، توجه به آلام اعضا و افراد درون جمعیت است.

داوطلبان

**گفت‌وگو با پسر و عروس خانواده جعفری
فرهنگ داوطلبی
در ساختار خانواده ما است**

همه اعضای خانواده پای ثابت فعالیت‌های بشردوستانه هستند. «سیحان» و «محسن جعفری» فرزندان خانواده نقش پررنگی در فعالیت‌های هلال احمر دارند. هردوی آنها از زمان نوجوانی وارد جمعیت شده‌اند. سیحان ۳۶ ساله برادر بزرگ‌تر، مهندس شرکت نفت است. او با بیان اینکه هلال احمر سرنوشش را در زندگی عوض کرده می‌گوید: «خیلی چیزها در زندگی نقش دارد. اما این احساس که برای جامعه مفید باشیم و به افراد آسیب دیده کمک‌رسانی کنیم حس خوبی است که از هلال احمر می‌توان گرفت. در زلزله کرمانشاه همراه خانواده ساعت‌ها، کار و گاهی تا ۴ صبح اقلام و وسایل را برای ارسال بسته‌بندی می‌کردیم. ولی لحظه‌ای خسته نمی‌شدیم. چون هدفمان آرامش بخش و انرژی‌دهنده است.» «ندا نعمتی» عروس خانواده هم تحت تأثیر فعالیت‌های خانواده جعفری به‌عنوان داوطلب وارد هلال احمر شده است. او جدا از همراهی خانواده در فعالیت‌های بشردوستانه به امدادگران و افراد مختلفی که از هلال احمر معرفی می‌شوند مشاوره روان‌شناسی می‌دهد و در این‌باره می‌گوید: «فعالیت در هلال احمر درس‌های زیادی از جمله فداکاری و از خودگذشتگی را به من یادآوری می‌کند.

امدادگران و داوطلبان در عرصه‌های مختلف صادقانه و بی‌چشمداشت فعالیت می‌کنند و این بهترین و آموزنده‌ترین صحنه‌هایی است که هر کسی می‌تواند با آن روبه‌رو شود. امیدوارم بتوانم در این جمعیت پرخیر مؤثر باشم.»

محسن ۳۵ ساله فرزند دیگر خانواده جعفری می‌گوید: «از نوجوانی همراه پدر و مادرم بسته‌های مواد غذایی را بین نیازمندان توزیع می‌کنیم. مادرم همیشه می‌گوید باید حواسمان به دیگری باشد. از اینکه می‌توانم با عضویت در هلال احمر و انجام کارهای مثبت دل‌مادر و پدرم را شاد و در حد توانم به دیگران خدمت کنم حس خوشایندی دارند.»

محسن که در حال فراهم کردن مراسم عروسی‌اش است تصمیم دارد همسر آینده‌اش را با جمعیت هلال احمر آشنا کند تا این راه در خانواده جعفری همچنان ادامه داشته باشد.



**گویی بانوهای
خانواده جعفری
می‌خواهیم مثل
مادر جون و پدر جون باشیم**

نوه‌ها هم از قافله فعالیت‌های خانواده عقب نمانده‌اند و همچون دیگر اعضای خانواده لباس هلال احمر بر تن می‌کنند. آنها تحت عنوان غنچه‌های هلال احمر فعالیت می‌کنند. «پانیز جعفری» ۹ ساله می‌گوید: «همیشه در کارهای هلال احمر به پدر جون و مادر جون کمک می‌کنم. دوست دارم مثل آنها باشم و به دیگران کمک کنم.» «پویان جعفری» دیگر نوه خانواده هم می‌گوید: «همیشه با دوستانم به هلال احمر می‌روم. نقاشی می‌کشیم و شعر می‌خوانیم. دوست دارم جان مردم را نجات دهم.»



**بشر دوستی به سبک «عباس»، «سیمین» و خانواده
خانواده جعفری بیش از ۵۰ سال سابقه فعالیت در هلال احمر دارند**

آچارفرانسه فعالیت‌های هلال احمر هستند. به‌طوری که در همین زلزله اخیر کرمانشاه کلی بسته غذایی تهیه و به مناطق زلزله‌زده ارسال کردند. با «عباس جعفری» و «سیمین کارساز» که پایه‌های این خانواده هلال احمری را گذاشته‌اند و دیگر اعضای خانواده در باره فعالیت‌هایشان صحبت کرده‌ایم.

داوطلبانه مشارکت می‌کنند. این حکایت خانواده سرخ پوش «جعفری» است که تمام اعضای داوطلبانه پای کار برنامه‌های هلال احمر استان اراک هستند. آنها خود را شبانه‌روز وقف کارهای بشر دوستانه کرده‌اند. هر وقت اتفاقی رخ می‌دهد کاور سرخ را بر تن می‌کنند و در صفا اول خدمت‌رسانی می‌ایستند. این خانواده‌گویی

سوابق ۵۰ ساله پدر و مادر خانواده به‌عنوان خیر در هلال احمر در خشان است. مادر هم جدا از هزار و یک کاری که داوطلبانه انجام می‌دهد به تازه‌واردان داوطلب کمک‌های اولیه می‌آموزد. هر کدام از فرزندان خانواده هم نقش مؤثری در فعالیت‌های اجتماعی دارند. حتی عروس و نوه‌های خانواده در کنار دیگر اعضا در فعالیت‌های

نباید دست از تلاش برداشت

ستون خانواده جعفری مادر فداکاری است که حمایت‌هایش باعث تداوم فعالیت‌های فرزندان در جمعیت هلال احمر می‌شود. سیمین کارساز ۵۹ ساله هم مانند همسرش معلم بازنشسته است. او سال‌های زیادی به‌عنوان مربی هلال احمر در آموزش و پرورش فعالیت می‌کرد.

اما اکنون جسد از اینکه پای ثابت فعالیت‌های بشردوستانه و اجتماعی است رابط بین خیران شهر با هلال احمر هم محسوب می‌شود: «سال ۱۳۴۶ عضو جمعیت شدم. داوطلب هلال احمر بودن حس خوشایندی را به انسان می‌دهد. جایی که تنها به دنبال کارهای خیر هستید چنین تأثیری را بر انسان می‌گذارد. وقتی می‌بینم کسی نیازمند کمک است خیلی ناراحت می‌شوم. ولی در هلال احمر یاد گرفته‌ام دشوارترین مسائل و کارها به همت جمعی حل خواهد شد. بعضی آدم‌ها در همین همسایگی ما حتی به نان شب هم محتاج هستند. اما نمی‌توان بی تفاوت بود. باید تلاش کرد. از افراد توانمندی که می‌شناسم برایشان کمک می‌گیرم. همراه با اعضای خانواده و دوستان ۲۵۰ دکتر را عضو هلال احمر کرده‌ایم که نیازمندان را ویزیت رایگان می‌کنند. ما حتی برای نوجوانان و نوجوانان هم تجهیزات تهیه می‌کنیم.»

خدا هیچ وقت بنده‌هایش را رها نمی‌کند

در خانواده جعفری بعضی از فعالیت‌های داوطلبان هلال احمر به شکل اختصاصی انجام می‌شود. تهیه بسته‌های غذایی برای نیازمندان، پرداخت هزینه تحصیل دانشجویان نیازمند و هزار و یک کار دیگر که تمایلی به بیان جزئیاتش ندارند. خانم کارساز در این‌باره می‌گوید: «این‌گونه کارها برکت خاصی به زندگی می‌دهد. در این‌گونه کارها هیچ چیز دست ما نیست. به لطف خدا همه چیز خود به خود جور می‌شود. یکبار با یک دانشجو روبه‌رو شدم که به خاطر مبلغی نمی‌توانست ثبت‌نام کند و به همین دلیل تصمیم داشت ترک تحصیل کند. وقتی خواستم کمکش کنم هیچ پولی همراه نبود. به آن دانشجو گفتم فردا حتماً کارش را درست می‌کنم. همین‌که او پایش را از اتاق بیرون گذاشت خیری آمد و دقیقاً آن مبلغی را که آن دانشجو لازم داشت به من داد و گفت: هر کاری صلاح می‌دانی با این پول انجام بده. بلافاصله با آن دانشجو تماس گرفتیم و آن پول را به او دادیم. چهره دردم او شاد شد و گفت: چطور در این فاصله کوتاه پول را تهیه کردید؟ او گفت: خدا هیچ‌وقت بنده‌هایش را رها نمی‌کند.»

هلال احمری بودن افتخار بزرگی است

با چنان اشتیاقی درباره عضویتش در هلال احمر سخن می‌گوید که گویی لحظه لحظه روزهای فعالیت داوطلبانه‌اش در هلال احمر بخش‌هایی نشدنی زندگی او را تشکیل می‌دهد. عباس آقا ۶۲ ساله، دبیر بازنشسته ورزش از داوطلبان پیشکسوت هلال احمر است. او از دوران نوجوانی با فعالیت‌های جمعیت آشنا شده است. او عضویت در هلال احمر را بزرگ‌ترین سعادت زندگی‌اش برای انجام کارهای مثبت در جامعه می‌داند و با بیان اینکه تمام اعضای هلال احمر باید به‌صورت خانوادگی در فعالیت‌های بشردوستانه فعالیت کنند می‌گوید: «بستر خانواده به تمام کارها شکل درست می‌دهد و باعث شکوفایی ارزش‌های یک مجموعه می‌شود.» عباس آقا درباره زمان ورودش به جمعیت می‌گوید و درباره فعالیت‌های تیم ورزشی هلال احمر که یکی از افراد تأثیرگذار آن است: «دوران دبیرستان وارد هلال احمر شدم. خیلی فعالیت‌های جمعیت را دوست داشتم و در تمام کلاس‌ها حضور پیدا می‌کردم. وقتی جنگ تحمیلی آغاز شد به‌عنوان راننده از سوی هلال احمر به جبهه اعزام شدم. روزهای سختی بود. دشمن حتی به امدادگران و مراکز درمانی رحم نمی‌کرد. افراد زیادی شهید شدند ولی همچنان با تمام توان به خدمت‌رسانی می‌پرداختیم. در طول خدمت معلمی همواره فعالیت‌هایم را با هلال احمر ادامه می‌دادم. برای بچه‌ها دوره می‌گذاشتم و کارهای اینچنینی انجام می‌دادم. من دبیر ورزش بودم و این‌گونه فعالیت‌ها با روحیه کلاس‌های مدرسه‌ام سازگار بود. بعد از اینکه بازنشسته شدم همراه با دوستانم در زورخانه شهر تیم باستانی کاران هلال احمری را تشکیل دادیم. این تیم بهانه‌ای برای کارهای خیریه است. برای محرومان گلریزان می‌کنیم و برای حل مشکلات مردم راه چاره می‌یابیم.»

قطره‌ای در دریای انسان‌های صلح دوست

آدم‌هایی مثل عباس آقا در زمان، زندگی می‌کنند و از تمام لحظات و فرصت‌های زندگی برای انجام کار نیکو استفاده می‌برند. این داوطلب پیشکسوت معتقد است که هلال احمری شدن و امدادگر بودن تنها به پوشیدن لباس سرخ نیست. بلکه باید نگرش صلح دوستی و خدمت به بشر در تفکر آتمان باشد: «منی خواهم از خودم تعریف کنم و بگویم در جمعیت هلال احمر کار بزرگی انجام داده‌ام. من در دریای خروشان انسان‌های صلح دوست به اندازه قطره‌ای نقش و سهم دارم. همیشه تلاش کرده‌ام که روحیه امدادگری داشته باشم. روحیه امدادگری یعنی همیشه آماده خدمت بودن. البته این نوع نگاه که نسبت به اطرافمان دلسوز باشیم گاهی تلخی‌هایی را به همراه دارد. من طعم تلخ فقر را در زندگی تجربه کرده‌ام و می‌دانم وقتی کسی می‌گوید که ندارم یعنی چه. یکبار در ماشین نشسته بودم که یک پسر بچه را دیدم با یک توپ کم باد در حال فوتبال بازی کردن است. لباس‌هایش وضع خوبی نداشت. خیلی ناراحت شدم. می‌دانستم در کدام مدرسه درس می‌خواند. فردای آن روز به مدرسه رفتم و با معلم ورزش او صحبت کردم. یک توپ و یک دست لباس ورزشی به او دادم و گفتم که بهانه‌ای پیدا کند و اینها را به‌عنوان جایزه به او بدهد. گفتن این ماجرا برایم سخت است. چون ارزش کار خیر به پنهانی بودنش است. اما می‌گویم چون اینها تأثیر هلال احمر روی شخصیت است.»